



مناظرات و خطابه‌های رضوی به مثابه اسلوب مبارزاتی

دریافت: ۱۴۰۲/۸/۶ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۰

یحیی بوذری نژاد^۱، حسین ایرانپور^۲، محمدحسین جمال زاده^۳

چکیده

زندگی ائمه (علیهم السلام) مشحون از مبارزات با جهل، شرک و طاغوت بوده است. عصر امام رضا (علیه السلام) نیز خالی از این مسأله نبود و حکومت عباسی مصداق بارز حکومت طاغوت به شمار می‌رفت. امام رضا (علیه السلام) در دوران «هارون الرشید» و پسرش «امین» شیوه‌های مختلفی برای مبارزه با آن دستگاه داشتند. این مبارزه در زمان مأمون و با توجه به مسأله ولایت‌عهدی رنگ و بویی تازه یافت و از این جهت در تاریخ ائمه (علیهم السلام) منحصر به فرد به شمار می‌رود. در این دوره امام رضا (علیه السلام) با توجه به ظرفیت‌های به وجود آمده با استفاده از روش گفت‌وگوی فعال در قالب مناظره و خطابه توانستند اسلوبی مبارزاتی را عملیاتی کرده و به شیعیان خود نیز راه را آموزش دهند. در این جستار با استفاده از روش «تحلیل اسناد» و روایات موجود با این مسأله پرداخته می‌شود که امام رضا (علیه السلام) چگونه با استفاده از روش گفت‌وگو محور در قالب مناظره (جدال احسن) و موعظه (خطابه) به مبارزه با دستگاه عباسی پرداختند؟ بدین منظور جستاری تقریباً جامع در میان روایات موجود از مناظرات و مواعظ حضرت انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، جدل، خطابه، مبارزه.

y_bouzarinejad@ut.ac.ir
h.iranpour@ut.ac.ir
jamalzadeh@ut.ac.ir

۱. دانشیار گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران؛
۲. دانشجوی دکتری رشته دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
۳. دانشجوی دکتری رشته دانش اجتماعی مسلمین، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

۱. مقدمه

تاریخ دوره زندگانی با برکت امام رضا (علیه السلام) آکنده از مسائل آموزنده و متعالی است که هر کدام از آحاد بشریت می‌تواند گوشه‌ای از آن را مورد مطالعه قرار دهد. شرایط خاص سیاسی دوره امامت حضرت رضا (علیه السلام) - که با حکومت هارون الرشید، حکومت امین و حکومت مأمون همراه بود (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۷۲) - صحنه را به گونه‌ای رقم زد که امام رضا (علیه السلام) یک روش خاص مبارزاتی علیه این دستگاه را آغاز کنند. غیرالهی دیدن حکومت عباسیان امری واضح است و قرارنگرفتن سیر حکومت در مسیر الهی دلیلی برای مبارزه با آن است و در واقع می‌توان گفته رشید رضا را تکرار کرد که: «حکومت جور حکومتی است که در ظاهر به دست یک مسلمان اداره می‌شود اما در مسیر تعیین شده اسلام حرکت نمی‌کند» (به نقل از فیرحی، ۱۳۸۲: ۱۴۶).

امام رضا (علیه السلام) پس از شهادت امام کاظم (علیه السلام) شیوه‌ای تقیه‌ای را پیش گرفتند که بتوانند از فرصت به دست آمده استفاده کنند و شبکه‌ای ناملموس از شیعیان را تشکیل دهند. این کار در خبری که از برداشت هارون الرشید از رفتار حضرت آمده است، هویدا است. در آن روایت به هارون خبر رسیده است که امام رضا (علیه السلام) به خرید گوسفند و خروس و سگ مشغول است و کار سیاسی انجام نمی‌دهد و این خبر به حدی در هارون اثر می‌گذارد که وقتی جاسوس او از کارهای سیاسی امام خبر می‌دهد و ادعا می‌کند حضرت در خانه خود را به روی مردم گشوده است، هارون باور نمی‌کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۰۵). بدین منوال روش امام (علیه السلام) در زمان هارون، ماندن در حاشیه امن و به نوعی زمینه‌سازی برای انقلاب خاموش بود. این روش در زمان امین نیز پی گرفته شد و حضرت از فرصت پیش آمده - که عباسیان درگیر جنگ‌های خود بر سر قدرت بودند - نهایت استفاده را بردند و شبکه‌ای از شاگردان و شیعیان خود به راه انداختند (خامنه‌ای، ۱۳۶۳).

ایشان پس از ولایت‌عهدی استفاده از روش‌های جدال احسن و موعظه حسنه را پیش گرفتند و با استفاده از این دوروش را به تبلیغ دین اسلام پرداختند و هم به مسلمین جهان این شیوه مبارزاتی را آموزش دادند که چگونه با استفاده از قدرت «کلام» در برابر

خودکامگی‌های یک حکومت جور می‌توان علم مبارزه را برافراشت. البته ادعای نگارنده این نیست که تنها اسلوب مبارزاتی امام رضا (علیه السلام) محدود به دو شیوه جدل و خطابه می‌شود؛ بلکه حتماً روش‌های دیگری همانند، تربیت شاگرد، شبکه‌های ارتباطی ناپیدا، فرستادن مبلغ به اکناف مختلف عالم اسلامی و... را می‌توان به عنوان اسلوب مبارزاتی ایشان قلمداد کرد (خامنه‌ای، ۱۳۶۳). مهم‌ترین شیوه مبارزاتی حضرت هم در قبول ولایت‌عهدی مأمون به منصف ظهور رسیده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۸۰۷-۸۲۶).

هدف این نوشته دستیابی و فهم اسلوب مبارزاتی امام رضا (علیه السلام) در قالب سخنان خطابی و مناظراتی حضرت است که بتوان از آن به عنوان روشی برای دعوت به اسلام و مبارزه با حکومت‌های طاغوتی استفاده کرد^۱. برای نیل به این هدف چاره‌ای جز مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و استفاده از «روش اسنادی» برای جمع‌آوری اطلاعات وجود ندارد. به همین فراخور روش مورد استفاده در این تحقیق همان «اسنادی» می‌باشد.

ضرورت این تحقیق در شناخت صحیح سیره امام رضا (علیه السلام) به عنوان امام معصوم نهفته است که امر به الگوبرداری از رفتار ایشان در شریعت اسلام مشخص است. هم‌چنین در عصر حاضر که ادیان مختلف انسانی به وجود آمده و از هر راه و مسلكی برای گمراه نمودن جوامع اسلامی و غیر اسلامی استفاده می‌شود، آشنایی با شیوه‌های دعوت به دین اسلام بسیار راه‌گشا است. مضاف به این آشنایی با این شیوه‌ها می‌توان در قبال هر گونه ظلمی در دستگاه اسلامی و غیراسلامی مبارزه کرد و اگر راه برای مبارزه فیزیکی در قبال حکام جور وجود نداشت، با زبان به تقابل با آن‌ها پرداخت.

۱-۱. پیشینه تحقیق

ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام) قریب به دو سال برقرار بوده است و در این مدت کم مأمون

۱. حکومت طاغوتی می‌تواند یک حکومت غیردینی باشد که به مردم خود ظلم می‌کند یا یک حکومت دینی که بر اساس موازین اسلام عمل نمی‌کند. به عنوان مثال می‌توان حاکمیت برخی از کشورهای حال حاضر جهان اسلام را مثال زد که هر چند برچسب اسلام بر حکومت‌های آنان زده شده است، اما بویی از اسلام راستین در آن حکومت‌ها به مشام نمی‌رسد.

از هر وسیله‌ای برای منکوب کردن حضرت و کل جریان تشیع استفاده کرده است که برقرار ساختن مناظرات با علمای مختلف هم یکی از حربه‌های او بوده است. هر چند مدت دو سال زمان کوتاهی است و قاعدتا متونی که از این مدت به جا مانده است از لحاظ کمی اندک است، و توسط پژوهشگران شیعی بارها مورد مذاقه قرار گرفته است. اما نکته حائز اهمیت این است که بررسی‌های متعدد و متنوع نه تنها از ارزش هم‌دیگر نمی‌کاهند، بلکه به غنای معرفتی و بلوغ فکری شیعه کمک بیشتری می‌کند. غرض اینکه در مورد مناظرات و خطابه‌های امام رضا (علیه السلام) پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، اما نمی‌توان گفت تحقیق در این زمینه به حد بسندگی رسیده است و باید به این مقدار اکتفا کرد. تا کنون تحقیقی به‌طور ویژه و مشخص در مورد موضوع این پژوهش به عمل نیامده است و پژوهشگری به صورت خاص جنبه‌های متعدد مبارزاتی خطابه‌ها و مناظرات امام رضا (علیه السلام) را مورد بررسی قرار نداده است و از این حیث می‌توان ادعا کرد نکته فارق این تحقیق با دیگر تحقیقات در این است که موضوع را از جوانب مختلفی مورد بررسی قرار داده است. اما پژوهش‌هایی وجود دارد که موضوع آن‌ها مقداری به این نوشتار نزدیک است و یا در برخی از قسمت‌های آن‌ها به مباحثی همانند مسأله اصلی این تحقیق پرداخته‌اند. البته پژوهش‌های زیادی همانند میرهادی تفرشی، لنگرودی و لنگرودی (۱۳۹۹)، رحیمی و سلیمانی (۱۳۹۷)، ولوی و بختیاری (۱۳۹۸) و... به بررسی جهات مختلف مناظرات و سخنرانی‌های امام رضا (علیه السلام) پرداخته‌اند، اما جهت نوشتار حاضر با آن‌ها فرق دارد.

دهشیری و شمس‌آبادی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به موضوع «انقلاب خاموش» رضوی پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند ضمن توضیحات تحرکات سیاسی امام رضا (علیه السلام) با پرداختن به سخنرانی‌ها و مناظرات رضوی جنبه‌های خاموش انقلابی موجود در آن‌ها را واکاوی کنند. جعفریان (۱۳۷۶) نیز در کتاب «حیات فکری و سیاسی امامان شیعه» در قسمت مربوط به امام رضا (علیه السلام) تا حدودی به اهداف مبارزاتی امام (علیه السلام) در دوره ولایت‌عهدی با ابزار کلام در قالب خطابه و جدال پرداخته است. رودی و حسینی شاهرودی (۱۳۹۴) نیز در قسمت‌هایی از مقاله «مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا (علیه السلام) و انبیای الهی» به شیوه

مورد استفاده حضرت رضا (علیه السلام) در خطابه‌ها و مناظرات‌شان پرداخته‌اند و تا حدودی کیفیت دلالت این امور بر مبارزات حضرت را تبیین کرده‌اند.

هادیان رسنانی (۱۳۹۴) بیشتر از اینکه به بیان محتوای مناظرات حضرت رضا بپردازد به تبیین تفاوت مناظرات با اسلوب‌های صناعات خمس منطقی، دسته‌بندی مخاطبان مناظرات، شیوه‌های به کار برده شده برای هدایت مخاطبان و بررسی بری احتجاجات حضرت در مورد امامت پرداخته است. می‌توان گفت در نگاه اول ظن شباهت این مقاله با نوشتار نگارنده وجود دارد اما بررسی دقیق‌تر این نظر را از بین می‌برد، چون این مقاله تقریباً هیچ توضیح یا اشاره‌ای در مورد هدف اصلی این حرکت‌های اجتماعی امام رضا که «مبارزه» باشد، نداشته است.

مقالاتی هم‌چون واسواشتاین (۱۳۹۳)، روحی برندق (۱۳۹۶)، مجیدی (۱۳۹۲)، عابدی و همکاران (۱۳۹۷) نیز بیشتر به بررسی موارد حاشیه‌ای، یعنی اخلاق مناظره، مقایسه مناظرات حضرت با هم، تحلیل گفتمان درونی مناظرات و موارد جزئی دیگر پرداخته‌اند و هیچ‌کدام در صدد ارائه اهداف کلی مناظرات و حرکات اجتماعی حضرت نبوده‌اند. لازم به تکرار است که هر کدام از این مقالات در جای خود لازم و ضروری است و اتفاقاً مقالات بیش‌تر دیگری نیز باید نوشته شود تا ارزش کار معصوم هویدا شود؛ هر چند متن بسیاری از این مقالات برابر باشد و این بدان دلیل است که تمامی این پژوهش‌ها حول متونی واحد صورت گرفته‌اند و ناچار از تکرار حجم بسیاری از مطالب هستند و تنها از زوایای مختلف این متون را مورد بررسی قرار می‌دهند.

نکته متمایزکننده نوشتار حاضر تکیه آن بر توضیح جهات مبارزاتی سخنان امام رضا (علیه السلام) در قالب جدال و خطابه است. این مقاله در صدد تبیین مبارزات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حضرت رضا (علیه السلام) با دستگاه حاکمیتی مأمون است که از زمان حرکت ایشان از مدینه به سمت مرو آغاز می‌شود و در شهری همانند نیشابور ذیل جریان حدیث سلسله‌الذهب پیگیری می‌شود و پس از استقرار حضرت در خراسان ادامه می‌یابد.

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. مفهوم جدل

«مناظره» در واقع معادل فارسی کلمه «جدل» می‌باشد. این واژه از ماده «نظر» به معنای تدبیر و تأمل و دقت در امور (دیدن آمیخته با تفکر) است (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۷: ۸۱). در لغتنامه دهخدا در مورد مناظره آمده است: «با هم نظر کردن، یعنی فکر کردن در حقیقت و ماهیت چیزی. با هم بحث کردن (غیاث). مجادله و نزاع با هم‌دیگر و بحث با یک‌دیگر در حقیقت و ماهیت چیزی...» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۱۵۶۳). «جدل» نیز در لغت به معنای کسی را به زمین زدن، محکم بافتن ریسمان یا مو و محکم و قوی شدن دانه است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱: ۱۰۳). راغب نیز معنای جدل را این‌گونه معرفی کرده است: «سخن گفتن از طریق نزاع و غلبه‌جویی» (الراغب، ۱۴۱۲ق: ۱۸۹). برای به دست آوردن معنای اصطلاحی جدل توضیحات مقدماتی زیر ضروری است.

در علم منطق به بیان کردن دلیل «استدلال» یا «حجت» گفته می‌شود. استدلال^۱ خود بر سه گونه است: قیاس، استقراء و تمثیل. در این میان تمثیل و استقراء از صورت خاصی برخوردار نیستند و با استفاده از شیوه‌های فکری مختص به خود شکل می‌پذیرند. اما قیاس دارای صُور مشخصی است که برای اشتباه نبودن باید به صورت یکی از آن‌ها بیاید.

با عبور از صورت استدلال، ماده آن نیز اهمیت می‌یابد. استدلال از جهت ماده می‌تواند منتج به پنج صنعت گردد که در علم منطق به «صناعات الخمس» مشهور است. این پنج صنعت عبارت‌اند از: برهان - مغالطه - جدل - خطابه - شعر. هر کدام از استدلال‌ها به فراخور ماده‌ای که در آن به کار رفته است، می‌تواند یکی از این صناعات را شکل دهد.

هر کدام از صناعات خمس به تحقق هدف خاص خود کمک می‌کند و نمی‌توان گفت یکی از آن‌ها برتر از دیگری است. در این مقام جدل به معنای صنعتی است که می‌توان

۱. منظور از استدلال در این نوشتار استدلال غیرمباشر است. چون استدلال مباشر در واقع نوعی نسبت بین دو قضیه است و در غرض این نوشته نمی‌گنجد.

به کمک آن از مقدمات مسلم بر هر هدفی اقامه دلیل کرد (المظفر، ۱۴۳۱ق: ۳۵۶ و ۳۸۶). کاربرد اصلی صناعت جدل ساکت کردن دشمن (مجادل دیگر) است که با استفاده از مقدماتی که مجادل دیگر آن را قبول دارد اتفاق می‌افتد. در این شیوه فرد مجادل باید به گونه‌ای بحث را پیش ببرد که مجادل دیگر نتواند از زیر نتایج گفته‌های پیشین خود و مقدماتی که قبلاً گفته‌شده خالی کند. ماده جدل را بیشتر «مشهورات» تشکیل می‌دهد و اگر از سایر مبادی نیز در آن استفاده شود، از جهت شهرت آن گزاره‌ها است.

طبق مفاد آیه شریفه قرآن کریم که «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۗ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵)، جدل می‌تواند بد (قبیح)، نیکو (حسن) یا نیکوتر (أحسن) باشد (شریفی، خوانین‌زاده و خلعتبری لیمایی، ۱۳۹۶: ۱۶۵). در این نوشتار نگارنده قصد دارد کلام امام رضا (علیه السلام) را مورد تحقیق قرار دهد و چون اعتقاد شیعه این است که امام معصوم کاملاً به مفاد قرآن عمل می‌کند، پس جدال‌ها و مناظراتی که توسط امام رضا (علیه السلام) انجام شده و به دست ما رسیده است نیز مصداق بارز «جدال أحسن» هستند.

۲-۲. مفهوم خطابه

صناعت دیگر از صناعات خمس خطابه می‌باشد. «خطابه» در لغت مؤنث خطاب است و به معنای آن کلامی است که فرد با مخاطب بیان می‌دارد و نقیض آن «جواب» است (الشرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۸۳). صناعت خطابه از مزنونات و مقبولات و مشهورات ساخته می‌شود؛ البته استفاده از مشهورات به جهت شهرت آن نیست که با جدل اشتباه شود، بل که از جهت اقناع مردم است (المظفر، ۱۴۳۱ق: ۴۲۷). هدف صناعت خطابه اقناع جمهور است (المظفر، ۱۴۳۱ق: ۳۵۶). منظور از خطابه در معنای منطقی آن، تنها تکلم در مقابل مردم نیست، بل که هر راهی که مردم را قانع سازد، خطابه نامیده می‌شود، چه از راه تکلم باشد و چه نوشته و راه‌های دیگر.

در این نوشتار منظور نگارنده از خطابه همان موعظه است. توضیح این که خطابه در

دیدگاه منطقی صرفاً به منظور اقناع جمهور است و راه آن محدود به چیزی نیست. یعنی از هر راهی که بتوان جمهور مردم را قانع کرد، خطابه محقق شده است. اما در نگاه دینی خطابه و موعظه زمانی ارزشمند است که جدال احسن باشد. یعنی وقتی قرآن کریم در مقام توضیح راه‌های دعوت به سوی حق تعالی است، راه موعظه را مقید به موعظه حسنه می‌نماید که «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، ۱۲۵). با این نگاه دیگر نیازی به تفکیک خطابه و موعظه نیست و نگارنده سعی دارد موعظی از حضرت رضا (علیه السلام) را بررسی نماید که به عنوان یک اسلوب مبارزاتی علیه دستگاه حاکمه عباسی اتخاذ شده است.

۳. شیوه‌های مبارزاتی رضوی در قالب جدل و خطابه

امام رضا (علیه السلام) در فرصت‌های مناسب سعی در ارشاد و هدایت افراد مختلفی داشتند. طیف افراد مخاطب این امر بسیار گسترده بود، اما زمانی که فرد مخاطب ارتباطی به دستگاه طاغوتی مأمون پیدا می‌کرد، سعی امام (علیه السلام) علاوه بر هدایت به جنبه مبارزاتی هم معطوف می‌شد. مواردی از مناظرات و موعظ حضرت موجود است که با بررسی آن‌ها می‌توان پی به این شیوه مبارزاتی برد. البته توجه به این نکته ضروری است که در سیره ائمه (علیهم السلام) استفاده از هر راهی برای مبارزه یا هر هدف دیگری صحیح نیست و در واقع هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. برای رسیدن به حق بایستی از راه حق استفاده کرد و نمی‌توان برای نیل به هدف از هر وسیله‌ای بهره برد. مثلاً به نفع دین نباید دروغ گفت یا تهمت زد. دین اجازه نمی‌دهد ولو به نفع خودش ما بی دینی کنیم (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۱۱). استشهاد امام صادق (علیه السلام) به آیه «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» در خصوص فردی که دزدی می‌کرد و صدقه می‌داد به نوعی شاهد این مدعا است که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. در واقع امام صادق (علیه السلام) به مردی که از راه دزدی انفاق می‌کرد، فرمودند: «مادرت به عزایت بنشیند! تو جاهل به کتاب خدایی! نشنیده‌ای که قرآن می‌فرماید: خدا، تنها از پرهیزکاران می‌پذیرد! سپس افزودند: دونان و دونار دزدیدی، چهار گناه

کردی، چون بدون اجازه صاحبش به دیگری دادی، چهار گناه دیگر نیز به آن اضافه شد». او جوابی نداشت، ناچار سکوت کرد (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۳۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۸۷). سخن امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه نیز این مطلب را تأیید می‌کند که نمی‌توان برای هدف حق از هر وسیله‌ای استفاده کرد. حضرت در خطبه ۱۲۶ می‌فرماید: «آیا به من توصیه می‌کنید که برای پیروزی خود، از جور و ستم در حق کسانی که بر آن‌ها حکومت می‌کنم استمداد جویم (و اموال بیت المال را به ناحق، به این و آن بدهم)؟ به خدا سوگند تا جان در تن دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان آسمان در پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز دست به چنین کاری نمی‌زنم».

۳-۱. بهره‌گیری امام رضا (علیه السلام) از مواعظ به عنوان راهبرد مبارزاتی

در کتاب «تحف العقول» (نوشته قرن ۴ هجری) روایتی از امام رضا (علیه السلام) نقل شده که در آن سؤال مأمون و جواب امام به او آمده است (ابن شعبه الحزّانی، ۱۴۲۳ ق: ۳۱۱-۳۰۵). مأمون «فضل بن سهل» را برای پرسش از نکاتی که جامع حلال و حرام شریعت‌اند خدمت امام رضا (علیه السلام) فرستاد و حضرت در پاسخ قبل از پرداختن به حلال و حرام شریعت اسلام به بیان نکاتی در باب توحید و ولایت می‌پردازند.

در این روایت در ابتدا امام (علیه السلام) به ذکر صفاتی از ذات باری تعالی، توصیفات از نبوت و رسالت نبی مکرم اسلام ﷺ و اعتقادات مسلمین در مورد قرآن کریم می‌پردازند. پس از آن به ذکر مسأله خلافت پرداخته و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و فرزندانش را به عنوان جانشینان رسول الله ﷺ و امامان امت معرفی می‌کنند. موضع اصلی که مورد اشاره نوشته حاضر است این عبارات روایت است:

«و گواهییم که دلیل و حجت پس از وی {رسول الله} علی امیرالمؤمنین است ... و پس از وی حسن و حسین (علیه السلام) و خاندان رسول (به صورت) پشت سر هم بودند تا امروز که اعلم به کتاب و سنت و اعدل در قضاوت و اولی به امامت در هر عصر و زمان {هستند} ... هر که بمیرد و آن‌ها را نشناسد و به نام خودشان و پدران شان از آن‌ها پیروی نکند، بمردن

جاهلیت مرده است...» (ابن شعبه الحرانی، ۱۳۷۶: ۴۳۸-۴۳۹).

نکته مورد اهتمام توجه حضرت رضا (علیه السلام) به این جنبه از مبارزه است که در زمانی که مأمون فرستاده‌اش را برای یادگیری و به نوعی امتحان و سنجیدن امام رضا (علیه السلام) فرستاده است، ایشان دست از مبارزه سیاسی نکشیده و در ضمن بیان مباحث مهم شرعی، تعریضی به مباحث ولایت و امامت دارند. با تأمل در کل مضمون روایت این نکته هویدا است که امام (علیه السلام) می‌توانستند بدون پرداختن به مباحث مقدماتی پاسخ سؤالات مأمون را بدهند، اما فرصت را غنیمت شمرده و در قالب یک خطابه و موعظه ماندگار بیان می‌کنند که خلافت پس از رسول الله متعلق به عالمان آل الرسول است و چند صفت از بارزترین صفات این سلسله را بیان می‌کنند.

در موارد متعددی امام رضا (علیه السلام) خطبه‌ها و مواعظی را برای عامه مردم بیان کرده‌اند که علاوه بر ارزش‌های ذاتی و قدسی و معنوی آن‌ها، دارای ارزش فرهنگی نیز هستند. یکی از این خطبه‌ها، خطبه‌ای است که در پاسخ دعوت بنی عباس^۱ به منبررفتن حضرت رضا (علیه السلام) و سخنرانی در مورد شناخت صحیح خداوند تبارک ایراد شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۴۹-۱۵۰). هر چند مفاد این خطبه در مورد مفاهیم راقی و بلند توحید است و ارزش علمی زیادی دارد (همان: ۱۵۳-۱۵۰)، اما از منظر نگاه شخص سوم می‌توان آن را مبارزه‌ای علیه تمام بنی‌العباس دانست که به علم حضرت اطمینان نداشتند و امام (علیه السلام) با این خطبه غرّاً در صدد مبارزه با تفکرات آنان بود.

یکی دیگر از مواضع مبارزه امام رضا (علیه السلام) با دستگاه حاکم وقت، بیان حدیث «سلسله الذهب» بود. در سفر حضرت رضا (علیه السلام) از مدینه به سوی خراسان زمانی که از نیشابور عبور کردند و در حال خروج از آن بلاد بودند، اهل حدیث آن شهر جمع شدند و درخواست بیان حدیثی را از جانب حضرت داشتند. در این زمان بود که حضرت سر مبارک خویش را از هودجی که در آن نشسته بودند خرج کرده و به نقل از پدرشان و ایشان از پدرشان تا رسول الله (صلی الله علیه و آله) (همه را نام بردند) و رسول الله از جبرئیل و جبرئیل از خداوند تبارک، فرمودند: «لَا

۱. در متن روایت از عبارت بنی هاشم استفاده شده است، اما منظور از آن بنی‌العباس هستند که نزد مأمون حضور داشته‌اند.

إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي». در ادامه راوی نقل می‌کند که وقتی کاروان به راه افتاد، حضرت با صدای بلند فرمودند: «بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (همان، ج ۲: ۱۳۵).

توجه به حدیث سلسله الذهب نیز نوعی مبارزه آرام را تداعی می‌کند. اگر شرایط خاص آن زمان را در نظر بگیریم مطلب آشکارتر می‌شود. در شهری همانند نیشابور که از مرکز خلافت اسلامی؛ یعنی مکه و مدینه، سال‌ها دور بوده است و تنها زمام‌داری از جانب دولت‌های اموی و عباسی به آن جا آمده‌اند و تا توانسته‌اند مردم را چپاول کرده و نیز رویکردی کاریکاتوری از شریعت اسلامی را به آنان ارائه کرده‌اند. حال در این شرایط پس از سال‌ها فرزند رسول الله ﷺ به شهر آنان آمده است و آن‌ها می‌خواهند مطلبی از دین اسلام را از وی بشنوند. امام (علیه السلام) نیز دست روی نقطه‌ای می‌گذارند که سال‌هاست از آن سخنانی گفته شده، اما به دست فراموشی سپرده شده است و آن همان کلمه «لا اله الا الله» است. بعد از آن وقتی اهل حدیث و مردم آن دیار کأنه حیرت‌زده شده‌اند، بانگ برمی‌آورد که حصین بودن ذیل توحید شرطی دارد و آن امامت و ولایت است که هر چند در طول توحید است، اما به عنوان شرط حتمی است و تا نباشد، خبری از توحید و ایمن‌بودن برآمده از آن هم نیست (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۸۲۱-۸۲۲).

این شگرد کارِ علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بوده است که در همان فرصت کوتاهی که افراد در تفکر هستند و در مفهوم توحید تأمل می‌کنند، به عنوان یکی از اصول فکری مهم و عملی در اسلام و سایر آیین‌های الهی، اعتراف می‌کنند و پذیرش می‌کنند که عبودیت تنها برای خداست و تنها به او تعلق دارد و هیچ کس جز خدا نمی‌تواند عبادت شود (محسن‌زاده، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۱)، حضرت مبارزه را از قلم نینداخته و به سراغ مطلب غصب خلافت از جانب حکومت عباسی و دستگاه خلافت می‌رود و مبارزه فرهنگی تمام عیاری را علیه مأمون قبل از رسیدن به طوس آغاز می‌کنند. «امام رضا (علیه السلام) در جامعه توحیدی آن روزگار با بیان این حدیث مهم‌ترین اصل ایمان - یعنی کلمه مقدس لا اله الا الله را که همه پیامبران و انبیای الهی نیز برای ترویج آن (توحید) آمده‌اند یادآوری فرمود و با گوشزد کردن این امر کلیدی و مهم دین که به ظاهر در اجتماع آن روز موجود بود،

شرط عدم نقصان آن را در پذیرش امامت خویش و سایر معصومین علیهم‌السلام دانست و این گونه الگویی راهبردی برای همگان ارائه و گفتمان تفکر شیعی به -طور خاص آن اثنی عشری- را تأیید و تقویت کرد» (ولوی، ۱۳۹۸: ۲۱۹).

زمانی که مأمون امام رضا علیه‌السلام را به عنوان ولی عهد خود معرفی کرد و جمعی از بزرگان آن دوره را به جهت گرفتن بیعت برای حضرت رضا علیه‌السلام در مجلسی جمع کرد و پس از بیعت از امام علیه‌السلام درخواست خطبه‌ای نمود، امام علیه‌السلام به بیان خطبه‌ای کوتاه اکتفا کردند که در آن حق و حقوق خود بر مردم رانه از جانب ولایت‌عهدی در حکومت عباسی و دستگاه طاغوتی مأمون، بلکه به عنوان حقی از جانب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی می‌کنند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵: ق: ۳۷۶؛ مفید، ج ۲: ۲۵۳).

این سنخ خطبه‌خوانی و موعظه در حالی که همه انتظار داشتند حضرت از مأمون به دلیل ولایت‌عهدی تشکر کنند، آب پاکی را روی دست مأمون ریخت که قرار نیست امام علیه‌السلام به کسی باج بدهند و از قرار معلوم حضرت هیچگاه دست از مبارزه نخواهند کشید. امام علیه‌السلام رابطه خود با مردم را این گونه جلوه می‌دهند که اگر قرار است حقی به گردن مردم باشد، به دلیل حقی است که از جانب رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به گردن آن‌ها آمده است و اگر قرار است حقی به گردن امام برای مردم باشد، از زمانی آغاز می‌شود که حق امام رعایت گردد.

این نوع از مبارزه فرهنگی و انقلاب خاموش، شیوه‌ای متقن برای زمانی است که طاغوت خود را به عنوان حقیقت به مردم نمایانده است و با این دستگاه تبلیغاتی می‌توان ریشه‌های خدعه آن را خشکاند. در روایت دیگری که از امام رضا علیه‌السلام نقل شده -که به نظر قسمتی از یکی از خطبه‌های ایشان است- حضرت خدا را شکر می‌کنند که پس از سال‌های متمادی که ایشان و پدران‌شان بر منابر لعن می‌شدند، خداوند متعال چیزی جز بزرگی، رفعت و شهرت فضائل ائمه هدی را نخواست و (در ادامه) در بیان دلیل دشمنی برخی از دشمنان با ایشان (اهل بیت پیامبر)، قرابت‌شان با رسول خدا را دلیل این دشمنی دانستند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ق، ج ۲: ۱۶۴-۱۶۵).

در این سخن حضرت هم مبارزه‌ای دیگر خفته است و ایشان در واقع قرابت خود با رسول الله را عامل ضایع شدن حقوق و دروغ بستن‌ها علیه خودشان معرفی می‌کنند و بر این اساس حکومت عباسی و اموی را غاصبان خلافت معرفی کرده و حق خود را گوشزد می‌کنند و به نوعی از ولایت-عهدی به عنوان دست‌آویزی برای آگاهی دادن به مردم بهره می‌برند (جعفریان، ۱۳۷۶: ۴۳۸).

از دیگر مواردی که امام رضا (علیه السلام) از خطابه و موعظه به عنوان فرصتی برای مطرح کردن مباحث ولایت و امامت استفاده کرده و به مبارزه با دستگاه مأمون پرداخته‌اند، می‌توان به جریان اقامه نماز باران پرداخت. داستان آن مفصل است و به اجمال عرض می‌شود زمانی که امام (علیه السلام) به همراه مردم به صحرا رفت، قبل از اقامه نماز حضرت به منبر رفته و می‌فرمایند:

«ای پروردگار من توئی که حق ما اهل بیت را عظیم مقرر داشتی، تا مردم به امر تو دست به دامن ما شوند و از ما یاری طلبند، و امیدوار کرم تو باشند و رحمتت را بچویند و به احسان تو چشم دوزند، و بخششت را طلبند، پس سیراب کن ایشان را به بارانی پر سود، فراگیر، بی‌وقفه و بی‌درنگ و بی‌ضرر و زیان» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۸۴-۳۸۵).

پس از اقامه نماز جریاناتی اتفاق افتاد و باران بارید. در این خطبه نیز شاهد این هستیم که حضرت علی رغم توجه به نماز و باران، از دعوت مردم به ولایت اولیاء الله دست برنداشته و در صدد مقابله با سیاست‌های مأمون هستند. البته در موارد دیگری نیز حضرت از نباریدن باران علیه دستگاه مأمون استفاده کرده‌اند. در روایتی می‌فرمایند: «هر گاه حکمرانان دروغ بگویند، باران نمی‌بارد و هر گاه سلطان ستم کند، دولت سست و بی اعتبار شود و هر گاه زکات داده نشود چارپایان بمیرند» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۴: ۲۸۸). در این روایت دروغ‌گویی حاکمان به عنوان علت نیامدن باران ذکر شده است و خود مبارزه‌ای دیگر علیه طاغوت است. البته پرداختن به این جنبه از حدیث مبارک به این معنا نیست که هیچ غرض دیگری پشت سر کلام معصوم نبوده است و تنها مبارزه برای امام مهم بوده است، بلکه این جنبه از کلام معصوم، جنبه‌های دیگری همانند تعلیم

مؤمنین، هدایت به سمت اهداف الهی، آموزش سبک زندگی و ... را نفی نمی‌کند.

۲-۳. مناظرات رضوی رهیافتی در مبارزه فرهنگی

همان گونه که در مقدمه این پژوهش بیان شد، با اندکی تأمل آشکار می‌شود که مناظرات امام رضا (علیه السلام) با مأمون و علمای مختلف آن زمان نشانه‌ای از مبارزه آشکار حضرت با دستگاه طاغوتی است. این مبارزه که با اهداف شکستن هیمنه دستگاه مأمون و جلب نظر غیرمسلمین به اسلام صورت می‌گیرد، نوعی مبارزه فرهنگی است که در آن از ابزار سخت جنگی استفاده نمی‌شود و مصداق بارز آیه مبارکه دعوت به سبیل الهی است. گرچه پوشش ظاهری این مناظرات رفع اشکال و اثبات مقام علمی امام (علیه السلام) جلوه داده می‌شود، اما قصد اصلی مأمون نمایاندن عجز امام و انهدام اعتقادات شیعه بود که البته نتیجه عکس داد و علم امام را اثبات نمود^۱ (برای مطالعه بیشتر ر.ک: شریف قرشی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۷۰-۱۷۱).

مناظرات امام (علیه السلام) با هر کسی به فراخور علم موجود نزد آن فرد اتفاق می‌افتاد و با ادیان مختلف به دین و کتاب آنان و زبان آنان سخن می‌گفت و با متکلمین مسلمان با استفاده از برهان و حکمتی که به شهرت رسیده بودند مناظره می‌کرد و با علمای دیگر علوم هم به شیوه و روش آنان به جدال احسن می‌پرداخت. به عنوان مثال وقتی با پزشکان دربار مأمون سخن گفت، سخن از تجربه و آزمون و خطا به میان آورد و با تکیه بر «تجربه» مواردی را در کتابی برای مأمون نگاشت (برای مطالعه بیشتر ر.ک: علی بن موسی (منسوب)، ۱۴۰۲ ق: ۴-۸). در ادامه به مواردی از مبارزه فعال و مفاد جذاب آن با سازوکار حکومتی مأمون اشاره می‌شود.

از جذاب‌ترین روایات امام رضا (علیه السلام) - که نشان از قدرت علمی و احتجاج‌های تام حضرت

۱. شاهد این مدعا گفته مأمون در مقدمه یکی از روایاتی است که مناظره امام رضا (علیه السلام) را نقل می‌کند. «قَالَ الْمَأْمُونُ إِنَّمَا وَجَّهْتُ إِلَيْكَ لِمَعْرِفَتِي بِقُوَّتِكَ وَ لَيْسَ مُرَادِي إِلَّا أَنْ تَقْطَعَهُ عَنْ حُجَّتِهِ وَاحِدَةً فَقَطُّ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۱۷۸). ترجمه: مأمون گفت روی آوردن من به تو تنها به سبب شناختم از قدرت تو در مناظره است و مرادی جز این ندارم که تو دلیل من را تنها از روی یک حجت و دلیل منکوب کنی.

دارد- روایاتی هستند که مناظرات امام علیه السلام با علمای ادیان مختلف را نقل کرده‌اند و در آن‌ها دلایل امام رضا علیه السلام و جدال‌های احسن ایشان از جانب مجادلین بدون پاسخ مانده و حتی در برخی از موارد آنان به دین اسلام نیز گرایش پیدا کرده مسلمان می‌شوند. «امام رضا علیه السلام در برابر علمای دیگر فرقی همواره با بردباری و صبر برخورد می‌کردند و با این روش می‌خواستند نشان دهند به سخن آنان گوش فرامی‌دهند. سپس با ذکر دلیل و سند متقن، برای آن‌ها دلیل می‌آوردند و مانع از مکابره آن‌ها می‌شدند» (جمالزاده، کیانی مجاهد و حکیمی، ۱۳۹۸: ۲۰۱).

در مناظره‌ای که از امام رضا علیه السلام با «جاثلیق»، «رأس الجالوت»، «عمران صابی» و... نقل شده است، مقدمه‌ای وجود دارد. در این مقدمه که گفت‌وگوی امام علیه السلام با «نوفلی» است، امام علیه السلام می‌فرمایند زمانی مأمون از کار خود پشیمان خواهد شد که من با هر کدام از مجادلین به زبان خودشان و با کتاب مورد قبول خودشان بحث کنم و بر آنان فائق آیم (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۵۶).

در بیان خود امام علیه السلام این نکته آشکار است که هدف مناظره با علما و متکلمین ادیان مختلف نیز مبارزه با اصل دستگاه طاغوتی مأمون است. امام علیه السلام علاوه بر اینکه جاثلیق و رأس الجالوت و دیگران را منکوب می‌کند، بلکه کار به جایی می‌رسد که عمران صابی اسلام آورده و از یاران حضرت می‌شود. در تتمه روایتی که شیخ صدوق در «عیون اخبار الرضا» نقل کرده است، از آن به بعد، عمران مدافع سرسخت اسلام معرفی می‌شود؛ به گونه‌ای که علمای مذاهب مختلف نزد او می‌آمدند و دلایل آن‌ها را باطل می‌کرد، تا این که ناچار از او فاصله گرفتند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۷۸).

در چندین مجلس دیگر علم امام توسط افراد دیگر مانند «سلیمان مروزی»، «علی بن محمد بن جهم» (به نمایندگی از عده‌ای از علما)، خود مأمون و دیگران مورد آزمایش واقع می‌شود که نتیجه‌ای جز مفتضح شدن مأمون در پی ندارد. امام رضا علیه السلام همواره در مناظرات خود فضایی صمیمی را ایجاد می‌کرد و به مجادل خود فرصت تفکر و اندیشه می‌داد و همین موجب هدایت ایشان می‌شد (مصطفوی، ۱۳۶۴: ۱۹).

در مجلسی که مأمون علمای اسلامی را در آن جمع کرده بود، سؤالی از جانب مأمون مطرح شد که منظور از آیه مبارکه «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» (فاطر، ۳۲) چه است و در واقع این افراد مصطفی و برگزیده چه کسانی هستند؟ علمای حاضر پاسخ دادند که منظور تمامی امت است. اما امام رضا (علیه السلام) با قاطعیت منظور آیه را ائمه هدی (علیهم السلام) معرفی می‌کنند. این نظر امام (علیه السلام) با مخالفت علما و مأمون همراه می‌شود و امام در یک مناظره تمام عیار اثبات می‌کنند که منظور آیه، عترت رسول الله (صلی الله علیه و آله) هستند. سپس در پاسخ علما که در صدد اثبات تساوی «امت» با «آل» هستند تا شاید سخن امام (علیه السلام) را قبول نکنند، ۱۲ دلیل قرآنی بیان می‌کنند که اثبات می‌کند مفهوم «امت» غیر از مفهوم «آل» است (ابن شعبة الحرّانی، ۱۴۲۳ ق: ۳۱۲-۳۲۱).

امام رضا (علیه السلام) در موارد متعددی دست به جدال احسن و مناظره با عباسیان و مأمون زدند. این مناظرات و سؤال‌هایی که از امام (علیه السلام) پرسیده شد بسیار زیاد هستند تا جایی که در یک مجلس ۴۰ سؤال به امام عرضه شد و ایشان همه را بدون تأمل پاسخ دادند و عباسیان از این همه عظمت و شکوه علمی حیرت زده شدند و در مقابل عظمت علمی حضرت سر تعظیم فرود آوردند (اندلسی مالکی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۴۲).

یکی از مهم‌ترین مجادل‌هایی که با امام (علیه السلام) به مناظره می‌پرداخت و در موارد متعدد سعی در منکوب کردن حضرت داشت، شخص مأمون بود که با طراحی سؤالات و صدور دستورهای مختلف به دنبال غایات سیاسی خود بود. یکی از این موارد روایتی است که امام (علیه السلام) در پاسخ به مأمون که گفت می‌خواهم خودم را از خلافت عزل کنم و تو را خلیفه کنم و با تو بیعت نمایم، فرمود:

«اگر این خلافت از آن تو است پس خدا برای تو قرار داده است، و جانش نیست که لباس و خلعتی را که خداوند بقامت تو پوشانیده از تن بیرون کنی، و بغیر خود پوشانی، و بدیگری واگذار نمائی، و اگر این مقام از آن تو نیست پس حقّ اینکه چیزی را که از تو نیست به من واگذاری، نداری» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۳۱۳).

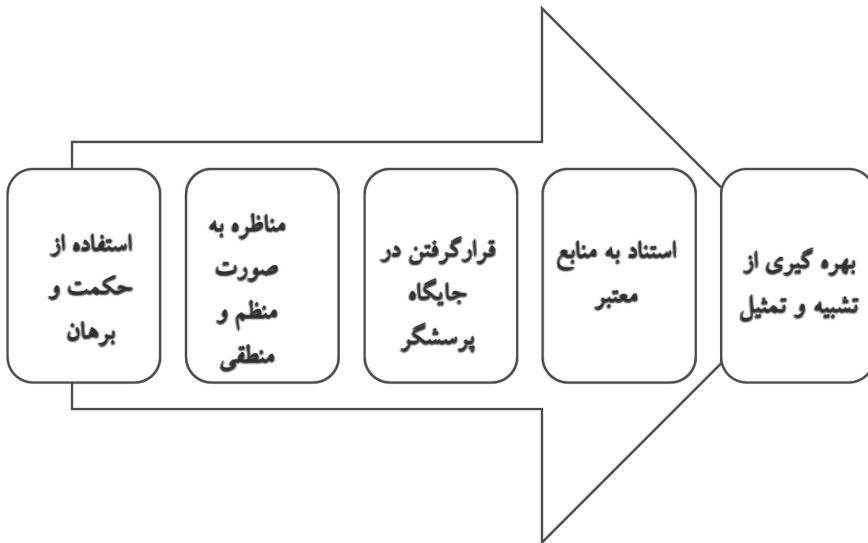
در این سخن امام رضا (علیه السلام) مسأله جدال و مبارزه کاملاً مشهود است که به مأمون

می‌فرمایند اگر لیاقت خلافت را داشته‌ای پس چرا می‌خواهی به من واگذارش کنی و اگر لیاقتش را نداشتی، پس چرا عهده‌دار آن شدی؟

در روایتی دیگر امام (علیه السلام) به «معمّر بن خلّاد» می‌فرماید مأمون از من (یعنی از امام) می‌خواست که به شیعیانم نامه بنویسم و از آنان بخواهم که از مأمون اطاعت کنند و امام (علیه السلام) در پاسخ او فرموده‌اند من به شرط عدم دخالت در امور سیاسی ولایت عهدی را قبول کردم و بسیار برای من مطلوب‌تر بود اگر در مدینه به کارهای خودم مشغول می‌بودم و در آن صورت نظرات من در شرق و غرب عالم نفوذ داشت (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵: ۳۶۲-۳۶۳).

ناگفته پیداست که حضرت رضا (علیه السلام) قصد همکاری سیاسی با مأمون را نداشته و در واقع کل حکومت سلسله عباسیان را غاصب خلافت رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌دانستند. به همین جهت نه تنها خواهش مأمون نسبت به وساطت بین او و شیعیان را نمی‌پذیرند، بلکه حرکتی تهاجمی به مأمون می‌فهماند که به زور و اجبار در منصب ولایت عهدی حضور دارد و علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دهد. روایات زیادی در باب جدال مأمون و علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) نقل شده است که در آن‌ها مأمون به خیال خود اشکالاتی را به حضرت وارد کرده است و در صدد پیروزی کلامی بر آن حضرت بوده است، اما امام رضا (علیه السلام) در کمال متانت و صلابت به آن شبهات پاسخ گفته و در صدد افحام او برآمده‌اند و به نوعی تهاجم مأمون را با گفت‌وگو پاسخ گفته و مبارزه تمام عیار خود استمرار بخشیده‌اند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۳۴۲-۳۴۴ و ۳۴۸ و ۳۴۹-۳۵۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۹۵-۲۰۴).

در انتها ذکر این نکته نیز ضروری است که امام رضا (علیه السلام) از شیوه‌های مختلفی در مناظرات خود استفاده کرده‌اند. ایشان با استفاده از ره‌آوردهای مختلف اولاً در صدد هدایت فرد مورد مناظره بوده و در مقام دوم در حال مبارزه با دستگاه مأمون بوده‌اند و در این میان از روش‌های متعددی استفاده کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در شکل زیر نمایش داد.



تصویر ۱: شیوه‌های مورد استفاده در مناظرات رضوی

۴- نتیجه گیری

دوره امامت علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) مصادف بود با خلافت هارون، امین و مأمون. مهم‌ترین صحنه تاریخی و سیاسی این دوره از لحاظ مبارزاتی را می‌توان دوره ولایت‌عهدی امام (علیه السلام) دانست. امام (علیه السلام) که به اجبار این منصب را قبول کرده بودند، تهدید را تبدیل به فرصت کردند و توانستند از شرایط حاصل‌شده نهایت استفاده را ببرند. منصب ولایت‌عهدی فرصت خطابه و موعظه‌های مردمی را برای حضرت افزایش داد و با توجه به مضبوط بودن برخی از سخنان ایشان، آن‌ها را برای ما به یادگار گذاشت. امام رضا (علیه السلام) از هر فرصتی حُسن استفاده را بردند و توانستند چه در مواعظ خود برای مأمون و چه در خطابه‌هایی که برای مردم انجام می‌دادند، مبارزه‌ای خاموش علیه دستگاه حاکم عباسی راه بیندازد و در عین این اسلوب مبارزاتی را به پیروان خویش آموزش دهد.

شرایط خاص سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دوره خلافت مأمون و تلاش‌هایی که وی

برای کاستن قدرت معنوی و اجتماعی امام رضا علیه السلام انجام می‌داد، راه را برای تشکیل جلسات متعدد مناظره و مجادله باز کرد اما نتوانست نتایجی که مد نظرش بود را بگیرد. مناظراتی که توسط مأمون برای منکوب کردن علی ابن موسی الرضا علیه السلام تشکیل می‌شد با راهکاری‌هایی که امام علیه السلام اتخاذ کردند تبدیل به مجالسی برای ترویج مقام علمی و معنوی امام علیه السلام و تبیین جایگاه معصومین علیهم السلام نسبت به ولایت و خلافت شد. در این جلسات بود که حضرت از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا موضوع غصب خلافت و جایگاه خودشان را گوشزد کنند و در نگاه کلان‌تر در مقابل ظلم بزرگ مأمون و عباسیان؛ یعنی غصب خلافت از عترت رسول الله صلی الله علیه و آله، مبارزه‌ای تمام عیار را رقم بزنند.

مأمون عمداً از هر گروهی بهترین و عالم‌ترین آنان را برای جدال با علی ابن موسی الرضا علیه السلام انتخاب و دعوت می‌کرد و صراحتاً به آنان می‌گفت به هر روشی که می‌توانید بر امام علیه السلام پیروز شوید. اما شیوه‌های ناب حضرت در جدال احسن و استفاده از براهین، امثال و حکم، منابع معتبر، روش‌های معتبر جدل صحنه را به سود خود مدیریت کرده و علاوه بر پاسخ‌گویی به مجادلین، مبارزه‌ای تام و انقلابی خاموش را علیه مأمون به راه انداختند و الگویی مناسب برای اسلوب مبارزاتی با استفاده از کلام و گفت‌وگو به شیعیان آموزش دادند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. (نسخه صبحی صالح)
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا. محقق: مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
- (۱۳۷۲). عیون أخبار الرضا. ترجمه: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری. تهران: صدوق.
- ابن شعبه الحرّانی، الحسن بن علی. (۱۴۲۳ق). تحف العقول عن آل الرسول. محقق: الشیخ حسین الأعلمی. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- (۱۳۷۶). تحف العقول عن آل الرسول. ترجمه: محمدباقر کمره‌ای. مصحح: علی اکبر غفاری. تهران: کتابچی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. (۱۳۸۵ق). مقاتل الطالبیین. با مقدمه: کاظم المظفر. قم: دارالکتاب.
- اندلسی مالکی، احمد بن عبدالله. (۱۴۰۴ق). عقد الفرید. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۶). حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم‌السلام). قم: موسسه انصاریان.
- جمال‌زاده، ناصر؛ حامد، کیانی مجاهد و محمد حکیمی. (۱۳۹۸). «قدرت نرم در سیره رضوی». فرهنگ رضوی. ۲۸(۷). صص: ۱۸۷-۲۱۷.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۳). پیام به کنگره جهانی امام علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام). ۱۳۶۳/۰۵/۱۸.
- (۱۴۰۰). حلقات انسان ۲۵۰ ساله؛ حلقه سوم. تهران: صهبا (ایمان جهادی).
- دهشیری، محمدرضا؛ شمس آبادی، علی. (۱۳۹۶). «انقلاب خاموش رضوی؛ فرآیندها و سازوکارها». فرهنگ رضوی. ۱۸(۵). صص: ۹۵-۱۱۶.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷۹). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- الراغب، ابوالقاسم الحسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. المحقق: صفوان عدنان الداودی. بیروت: دارالقلم.
- رحیمی، مرتضی؛ سلیمانی، سمیه. (۱۳۹۷). «جدال احسن از دیدگاه امام رضا (علیه‌السلام)». فرهنگ رضوی. ۲۴(۶). صص: ۱۸۵-۲۱۲.
- روحی برندق، کاوس. (۱۳۹۶). «اخلاق و مهارت‌های مناظره در مناظره‌های امام رضا (علیه‌السلام) (مطالعه موردی، مناظره امام رضا (علیه‌السلام) با متکلمان ادیان و مذاهب)». فرهنگ رضوی. سال پنجم، شماره ۱۸. صص: ۷-۳۵.
- رودی، معصومه؛ حسینی شاهرودی، سید مرتضی. (۱۳۹۴). «مقایسه اهداف مبارزاتی امام رضا (علیه‌السلام) و انبیای الهی» فرهنگ رضوی. ۹(۳). صص: ۱۵۳-۱۹۵.
- الشرتونی، سعید الخوری. (۱۴۰۳ق). أقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد. قم: المرعشی النجفی.
- شریف قرشی، محمداقبر. (۱۳۸۲). پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی ابن موسی الرضا. مترجم: محمد صالحی. تهران: اسلامیه.
- شریفی، عنایت‌الله؛ خوانین‌زاده، محمدحسین و حسام‌الدین خلعتبری لیمائی. (۱۳۹۶). «روش‌های تبلیغی امام رضا (علیه‌السلام)». فرهنگ رضوی. ۱۹(۵). صص: ۱۴۹-۱۷۶.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. تحقیق و تصحیح: محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.

- عابدی، عباس؛ داستان، محمد علی؛ محمدزاده، جمشید و انتظار علوی پور. (۱۳۹۷). «گونه‌شناسی مناظرات امام رضا علیه السلام (انواع، اشتراک‌ها و افتراق‌ها)». مجموعه مقالات برتر همایش امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام و نهضت علمی، تمدنی جهان اسلام. صص: ۸۵-۱۰۹.
- علی بن موسی الرضا علیه السلام (منسوب). (۱۴۰۲ق). طب الإمام الرضا (الرسالة الذهبية). محقق: محمد مهدی نجف. قم: دارالخيام.
- فیرحی، داود. (۱۳۸۲). نظام سیاسی و دولت در اسلام. تهران: سمت. قم: موسسه آموزش عالی باقر العلوم علیه السلام.
- قرشی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجیدی، حسن. (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا علیه السلام». فرهنگ رضوی. سال اول، شماره ۲. صص: ۹-۳۹.
- محسن‌زاده، صالح. (۱۳۶۳). توحید عملی، نابودی بت و طاغوت. تهران: کانون نشر فرهنگ قرآن.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۶). میزان الحکمة (با ترجمه فارسی). ترجمه: حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- مصطفوی، جواد. (۱۳۶۴). «روش پیشوایان دین در تبلیغ اسلام». مشکوة. (۴)۸. صص: ۹-۲۸.
- مطهری، حمیدرضا. (۱۳۷۸). زندقه در سده‌های نخستین اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- المظفر، محمد رضا. (۱۴۳۱ق). المنطق. تعلیقات: غلام‌رضا فیاضی و تحقیق: رحمة‌الله الرحمتی الاراکی. قم: النشر الاسلامی.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (بی‌تا). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی تهران: اسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۳). اسلام و کمک‌های مردمی. تهیه و تنظیم: جواهر السلطان نیازمند، قم: نسل جوان.
- میرهادی تفرشی، سیدمحمد رضا؛ معتمد لنگرودی، فاطمه و فرشته معتمد لنگرودی. (۱۳۹۹). «جستاری در راهکارهای مؤثر بر اقتناع مخاطب در مناظرات رضوی». فرهنگ رضوی. (۸)۳۰. صص: ۳۵-۵۵.
- واسواشتاین، دیوید. (۱۳۹۳). «مجلس امام رضا علیه السلام: مناظره‌ای دینی در بارگاه خلیفه مأمون». ترجمه: میبا اسکویی. سفینه. سال ۱۱. شماره ۴۲. صص: ۶۷-۸۳.
- ولوی، علی محمد؛ بختیاری، زهرا. (۱۳۹۸). «واکاوی دلایل استناد علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به حدیث سلسله الذهب». فرهنگ رضوی. (۵)۱۹. صص: ۲۰۱-۲۳۰.
- هادیان رسانی، الهه. (۱۳۹۴). «چگونگی نمود روش‌های گفتمان قرآنی در احتجاجات امام رضا علیه السلام و تفاوت آن با صناعات خمس در منطق». فرهنگ رضوی. سال سوم. شماره ۱۲. صص: ۱۳۹-۱۶۴.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.